

شهید راه تبلیغ



حجت‌الاسلام «شیخ عباس شیرازی» فرمانده «تبلیغات جبهه و جنگ» در هجدهم خرداد سال ۱۳۶۴ به شهادت رسید. شهیدی که مبارزه و تبلیغات سیاسی علیه حکومت پهلوی را از سال ۱۳۴۲ آغاز کرده بود. شیخ عباس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا مسئولیت قائم‌مقامی سازمان تبلیغات اسلامی و سپس مسئولیت تبلیغات جبهه و جنگ را بر عهده گرفت.

عباس شیرازی نخستین پسر «اسدالله شیرازی» در سال ۱۳۲۳ متولد شد. اسدالله در روستای گلناباد از توابع کرمان به پاک دستی شهره بود. شیخ عباس بعد از طی کردن تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در سال ۱۳۳۷ به شهر قم عزیمت کرد و در مدرسه «حجتیه» و سپس مدرسه «خان» دروس سطح و دروس خارج خود را آغاز کرد. پدر شهید شیخ عباس شیرازی تعریف می‌کنند: «یکبار شهید بهشتی به او گفت «شما باتربیت فرزندی مثل آقا شیخ عباس، به گردن انقلاب حق دارید. شما انسان بزرگی را تربیت کردید و تحویل حوزه علمیه دادید».

حاج اسدالله هم در پاسخ گفته بود: «دست‌های من پینه‌بسته است. از هشت‌سالگی کار و تلاش کردم، چکش زدم، مسگری و پیلهوری کردم، اگر فرزندان صالحی نصیبم شده، از برکت آن کسب حلال بوده است».

کتابی هم از شرح حال کودکی تا شهادت حجت‌الاسلام عباس شیرازی به چاپ رسیده است در جایی از این کتاب از زبان شیخ عباس نوشته شده است: «یکی دیگر از خاطراتم مربوط به ماه رمضان است. آمدند و گفتند تعطیل کنید این بساط سخنرانی را. گفتم کار من تبلیغ است. من غیر این کار دیگری ندارم. بعد از کلی چانه‌زنی گفتند تبلیغ کنید، اما بی سروصدا و دردسر. حرف از شاه و خمینی و این جور موضوعات موقوف. تا شب بیست و سوم دندان روی جگر گذاشتم و اشاره‌ای

دید، تصمیم خود را گرفتم. او می‌خواست مبلغ دین شود، پدرش می‌گوید: «من در ابتدا مانع می‌شدم که شیخ عباس دنبال تبلیغ برود».

وقتی پدر او را از سخنرانی نهی کرد، خیلی ناراحت بود و افسوس می‌خورد، چون واقعا نمی‌خواست خلاف نظر پدر عمل کند.

آیت‌الله جنتی پدر را راضی کرد

آیت‌الله جنتی با پدرش صحبت کرده بود و گفته بود که اگر فلائی ملاً بشود ولی نتواند سخنرانی کند، به درد نمی‌خورد. باید در کنار درس و بحث منبر هم باشد.

در یکی از سخنرانی‌های حضرت امام (ره) باینکه جو حساس بود و خیلی‌ها احتیاط می‌کردند، او ضبط صوت بزرگی با خودش به مجلس برده بود و بعد از ضبط سخنان امام (ره) با خونسردی و خیلی عادی آن را از آنجا خارج کرده بود. بعدها نوار سخنرانی را تکثیر کرد و در اختیار بقیه دوستان مبارزش قرارداد. از کارهای دیگر شیخ عباس شیرازی، سرکشی به دوستانی بود که در تبعید به سر می‌بردند؛ رهبر معظم انقلاب در ایرانشهر، آیت‌الله عباپی در نائین، آیت‌الله پسندیده در انارک و بعضی علمای دیگر که در کردستان تبعید بودند. تلاش‌های بی‌وقفه‌ای او در حفظ و پاسداری از نهال نوپای انقلاب و روحیه مسئولیت‌پذیری او موجب شد تا حضرت امام (ره) در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان را برای دعوت مردم به اتحاد و همدلی به شهرهای مختلف بفرستند، از جمله شهرهای ارومیه، خوی، مرند، سلماس، ماهشهر و خرم‌آباد. پس از آغاز جنگ تحمیلی باعلاقه‌ای که به کار فرهنگی و تبلیغ داشت، ابتدا مسئولیت قائم‌مقامی سازمان تبلیغات اسلامی و سپس مسئولیت تبلیغات جبهه و جنگ را پذیرفت. او در یکی از مأموریت‌ها در هجدهم خرداد ۱۳۶۴ در حوالی شهر دزفول بر اثر سانحه اتومبیل به شهادت رسید.

به قیام پانزده خرداد و رهبری امام خمینی نکردم، اما آن شب طاقتم تمام شد. جوش آوردم و از ظلم و ستم خاندان پهلوی حرف زدم. در مجلس غوغایی به پا شد... شیخ علی شیرازی برادر شهید می‌گوید: «برادرم از همان کودکی هم‌نشین بزرگان بود آیت‌الله جنتی، آیت‌الله خزعلی، آقای فاضل هرنندی و برخی از بزرگان، عموما منزل ابوی رفت و آمد داشتند».

در محضر آیت‌الله خزعلی

آقا شیخ عباس شیرازی، طلبه ناآرام، با شعله ور شدن قیام خونین پانزده خرداد به رهبری حضرت امام خمینی (ره) فعالانه در صحنه مبارزات حاضر شد و در حمایت از رهبر قیام، سخنرانی‌های پرشوری ایراد کرد. او درس منبر و فن بیان را در محضر آیت‌الله خزعلی گذرانده بود. وقتی شور و هیجان مردم پای منبرش را